

تاریخ

بیداری ایرانیان

به قلم

ناظم الاسلام کرمانی

سرشناسه:	ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی، ۱۲۸۰-۱۳۳۷ ق.
عنوان و نام پدیدآور:	تاریخ بیداری ایرانیان / به قلم ناظم الاسلام کرمانی.
مشخصات نشر:	تهران: کوشش، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	ج ۲.
شابک:	دوره: 0-27-2806-964-978؛
ج ۱:	978-964-2806-25-6
ج ۲:	978-964-2806-26-3
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا.
یادداشت:	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع:	ایران--تاریخ--انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.
موضوع:	ایران--تاریخ--قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق.
رده بندی کنگره:	الف ۱۳۸۹ ت ۲/۱۴۰۷ DSR
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۵
شماره کتابشناسی ملی:	۲۱۰۶۷۰۳

انتشارات کوشش

عنوان: تاریخ بیداری ایرانیان

نویسنده: ناظم الاسلام کرمانی

به اهتمام: محمدرضا حسن بیگی

تصحیح: حسین حسینی فرید

چاپ اول: ۱۳۹۰

چاپ: دلارنگ

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک جلد دوم: ۳-۲۶-۲۸۰۶-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۰-۲۷-۲۸۰۶-۹۶۴-۹۷۸

قیمت دوره: ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات پر-خیابان لیافی نژاد بعد از چهارراه کارگر-کوچه جعفرزاده-پلاک ۷

تلفن: ۶۶۵۶۷۸۶-۶۶۵۶۷۳۲۴

نمایه مطالب

۶۶۹	جلد چهارم
۶۷۰	قرارداد وام روس و انگلیس به ایران
۶۷۱	نطق معین التجار بوشهری
۶۷۲	اعلان ژلاتین موسوم به شبنامه
۶۷۳	شبنامه
۶۷۴	لوحه سر در مجلس
۶۷۵	نطق مخبرالسلطنه در مجلس شورای ملی
۶۷۵	مطالبه نظامنامه
۶۷۶	کاغذ آقای اصفهانی به آقای شیرازی
۶۷۹	مقاله انجمن طلاب
۶۷۹	استدعا از عموم علماء ایران
۶۸۴	اعلان تأسیس بانک ملی ایران
۶۸۶	اسامی بعضی از مؤسسين دولتخواه ملت دوست
۶۸۸	سواد رقعه ولیعهد به آقای آقا سید عبدالله
۶۸۹	تلگراف از بادکوبه
۶۸۹	جواب تلگراف بادکوبه
۶۹۰	[نطق ولیعهد]
۶۹۱	[احاله امورات دولتی به ولیعهد]
۶۹۱	سواد دستخط همایونی
۶۹۱	خطابه ورودیه حاجی سید نصرالله در حضور ولیعهد
۶۹۴	نطق تقی زاده در مجلس شورای ملی
۶۹۹	[ولیعهد و نظامنامه مجلس]
۷۰۰	مقاله روزنامه ندای وطن
۷۰۱	تلگراف از اصفهان
۷۰۱	ایضاً از اصفهان
۷۰۱	ایضاً تلگراف از اصفهان
۷۰۲	خطابه آقا سید محمد تقی هراتی در وقت ورود
۷۰۴	صورت نظامنامه اساسی مجلس شورای ملی یا قانون اساسی موقتی مملکت ایران
۷۱۳	نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی ایران
۷۲۵	فوت مظفرالدین شاه
۷۲۵	تلگراف از ملایر
۷۲۵	ایضاً تلگراف
۷۲۶	جواب تلگراف از طرف آقای طباطبایی
۷۲۶	ایضاً تلگراف
۷۲۶	تلگراف از رشت
۷۲۶	ایضاً تلگراف
۷۲۶	تلگراف از مشهد مقدس
۷۲۷	تلگراف از اصفهان در جواب علماء اعلام طهران

۷۲۸	تمیزیت نامه وکلاء
۷۲۸	در فوت شاهنشاه مظفرالدین شاه
۷۲۹	شرفیابی وکلاء مجلس به حضور محمد علی شاه
۷۳۰	نطق همایونی شاهنشاه محمدعلی شاه
۷۳۰	نطق اعلیحضرت درباره فرزند خود
۷۳۰	حکم و نوشته آقا شیخ محمد خماسی مجتهد رشت
۷۳۱	وقایع ماه ذیحجه الحرام ۱۳۲۴
۷۳۴	تاجگذاری محمدعلی شاه
۷۳۴	مکتوب جناب آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به عنوان حجج الاسلام طهران
۷۳۶	موافقت باب عالی با تقاضاهای قونسول ایران
۷۳۸	انتشار روزنامه تمدن و شرح حال مدیر روزنامه
۷۳۹	تعیین ولیعهد
۷۴۰	فوت امام جمعه کرمانشاه
۷۴۰	صورت تلگراف حضرت حجة الاسلام آقای آخوند ملا کاظم خراسانی
۷۴۱	مقدمات تشکیل انجمن مخفی
۷۴۲	انجمن انصار
۷۴۳	نظامنامه انجمن مخفی شعبه از انجمن انصار
۷۴۷	معرفی وزراء به مجلس
۷۴۸	ضرب سکه به نام محمدعلی شاه
۷۵۱	تماشاجیان و مجلس
۷۵۱	بستن بازار و تلگرافات تبریز
۷۵۲	مقاصد اهالی غیور آذربایجان
۷۵۲	وکلاء باید قسم بخورند
۷۵۳	ورود وکلای آذربایجان به طهران
۷۵۵	سواد دستخط اعلیحضرت محمدعلی شاه قاجار در تصریح مشروطیت دولت ایران
۷۵۵	صورت تلگراف حجج اسلام از نجف اشرف در جواب مجتهدین و علماء تبریز کثر الله امثالهم
۷۵۶	تلگراف از نجف اشرف
۷۵۷	ایضاً تلگراف از نجف از قصر شیرین
۷۵۷	صورت استفتاء از علماء نجف درباره مجلس شورای ملی
۷۵۸	جواب استفتاء از حجج اسلام نجف
۷۵۹	رقعه جناب حجة الاسلام آقای آخوند محمد کاظم خراسانی مد ظله به عنوان مجلس شورای ملی
۷۶۰	خلاصه مضمون تلگراف از عشق آباد که در خصوص فروش اطفال قوچانی در مجلس قرائت شد
۷۶۱	مکتوب یکی از مخدرات قزوین که به سعدالدوله نوشته است
۷۶۳	مقاله ادیب الممالک در روزنامه مجلس
۷۶۷	تلگراف ثانوی عشق آباد
۷۶۸	تعیین رکن الدوله به حکومت خراسان
۷۷۲	صورت قسم نامه وکلاء مجلس
۷۷۳	مکتوب خراسان نقل از ۵۳ مجلس
۷۷۶	راپورت از گیلان
۷۸۰	وقایع ماه صفر ۱۳۲۵

۷۸۰	 دستخط اعلیحضرت
۷۸۱	 تلگراف اول
۷۸۲	 ابضاً تلگراف دوم
۷۸۶	 تلگراف
۷۸۷	 صورت ادارات جزو وزارتخانه‌ها وزارت عدلیه
۷۸۷	 وزارت خارجه
۷۸۷	 وزارت داخله
۷۸۷	 وزارت مالیه
۷۸۸	 وزارت جنگ
۷۸۸	 وزارت علوم
۷۸۸	 وزارت فواید عامه
۷۸۸	 وزارت تجارت
۷۸۸	 مضمون تلگراف تبریز
۷۹۱	 مضمون تلگراف رشت که در مجلس قرائت شد
۷۹۱	 خلاصه جواب تلگراف از طرف مجلس
۷۹۲	 نطق تقی‌زاده
۷۹۳	 اخبار خارجه درباره ایران
۷۹۴	 خلاصه تلگراف از شیراز
۷۹۴	 تلگراف از نجف اشرف
۷۹۵	 لایحه ایرانیان ساکن بادکوبه
۷۹۵	 قابل توجه حضرات وکلای عظام انجمن شورای ملی دامت برکاتهم
۷۹۶	 تلگراف از کرمان
۷۹۶	 تلگراف آذربایجان
۷۹۷	 مکتوب شهری نقل از روزنامه مجلس
۷۹۸	 خلاصه تلگراف جوابیه کرمان
۷۹۹	 مکتوب وزارت عدلیه
۷۹۹	 رقعۀ وزارت داخله
۸۰۳	 مضمون تلگراف از رشت
۸۰۶	 مکتوب جناب حجة الاسلام آخوند ملا محمدکاظم خراسانی به عنوان شیخ ابراهیم
۸۰۶	 آگاهی
۸۱۰	 وقایع ماه جمادی‌الاولی ۱۳۲۶
۸۱۲	 راه نجات و امیدواری ملت
۸۱۳	 زبان حال ایران به آدمیان دنیا
۸۲۰	 اعلان ملت به‌عموم سربازان و سواران اسلام
۸۲۱	 اعلام از طرف ملت به‌بریگاد قزاق
۸۲۲	 قابل توجه برادران معروف به قزاق
۸۲۴	 از شیراز به طهران به تاریخ ۱۴ جمادی‌الاولی
۸۲۵	 تلگراف از اهر که رحیم‌خان سردارنصرت مخایره کرده است
۸۳۸	 سواد تلگراف از طهران
۸۴۰	 وقایع ماه جمادی‌الآخری ۱۳۲۶

۸۵۵	وقایع ماه رجب ۱۳۲۶
۸۶۳	سواد تلگراف علمای عتبات عالیات به طهران ۲ رجب ۱۳۲۶
۸۶۸	وقایع ماه شعبان ۱۳۲۶
۸۸۰	لایحه شارژ دفتر سفارت انگلیس
۸۸۰	ناله ملت تازیانه غیرت
۸۸۵	ناله ملت حادثه فجیع یا ضایعه عظیم
۸۸۹	تمنی و اخطار
۸۹۰	ناله ملت
۸۹۰	قابل توجه افواج و سواران نظامی
۸۹۲	تلگراف میرهاشم جواب طهران
۸۹۲	اعلان
۸۹۳	صورت تلگراف حضرات حجج الاسلام دامت برکاتهم
۸۹۳	تلگراف به تبریز
۸۹۳	تلگراف به طهران
۸۹۳	تلگراف به اصفهان و شیراز
۸۹۴	تلگراف از اسلامبول به آذربایجان
۸۹۴	اعلان
۸۹۶	از کرمان، از مکتوب عبدالسلطنه به مؤلف
۸۹۹	وقایع ماه رمضان ۱۳۲۶
۸۹۹	اعلان دولتی از طرف ایالت دارالخلافه
۹۰۰	شب نامه ژلاتین که با مرکب قرمز طبع شده است
۹۰۲	اعلان دیگر که با ژلاتین طبع شده است
۹۰۵	اعلان دیگر
۹۰۵	۲۴ شعبان
۹۰۷	صورت تلگراف اعلیحضرت همایونی به علماء اعلام نجف
۹۱۱	وقایع ماه شوال ۱۳۲۶
۹۱۱	تلگراف حجج اسلام به اعلیحضرت سلطان عثمانی
۹۱۲	نغمه تازه
۹۲۲	صورت عریضه شیخ فضل الله و امام جمعه و سایرین
۹۲۳	صورت دستخط اعلیحضرت بر حاشیه عریضه
۹۲۴	وقایع ماه ذی القعدة ۱۳۲۶
۹۲۵	مکتوب از نجف اشرف
۹۲۹	القانون الاساسی
۹۴۸	وقایع ماه ذی الحجة الحرام ۱۳۲۶
۹۶۲	وقایع ماه محرم ۱۳۲۷
۹۷۶	دستخط حجج اسلام عتبات
۹۸۱	وقایع ماه صفر ۱۳۲۷
۹۸۷	سواد لایحه اهالی اصفهان به صدراعظم مشیرالسلطنه
۹۸۹	نقل از روزنامه صباح ۲۸ ذی الحجة ۱۳۲۶
۹۹۲	راپورت رشت

۶۶۲	۹۹۴	وقایع طهران.....
۱۰۰۴		تلگراف از طهران به رشت
۱۰۰۴		جواب از رشت
۱۰۱۵		وقایع ماه ربیع الاول ۱۳۲۷.....
۱۰۲۰		رقعه دعوت.....
۱۰۲۲		از اسلامبول عین تلگراف تبریز.....
۱۰۲۲		ایضاً تلگراف تبریز به انجمن سعادت اسلامبول
۱۰۲۴		صیغ نامه دعوت الاسلام
۱۰۲۵		کاشف الاسرار.....
۱۰۳۰		سواد عکس صورت استفتاء از جناب حجة الاسلام آقای آقا سیدریحان الله مد ظله
۱۰۳۰		جواب، در صدر استفتاء
۱۰۳۰		دستخط حجج اسلامیه عتبات که عکس برداشته شده است
۱۰۳۱		دستخط دیگر ایضاً از عکس برداشته
۱۰۳۱		عریضه استفتایه اهالی آذربایجان به علماء عتبات
۱۰۳۲		جواب علماء اعلام نجف از سؤال اهالی تبریز.....
۱۰۳۵		دستخط حجج اسلام عتبات
۱۰۳۵		تبریز و وضع سیاسی
۱۰۳۷		اعلان فدا بیان مشروطیت.....
۱۰۴۰		راپورت دستخط تلگرافی حجج الاسلام نجف اشرف به اسلامبول
۱۰۴۳		تلگراف از اسلامبول.....
۱۰۴۳		ایضاً عین تلگراف رشت
۱۰۴۴		ایضاً عین تلگراف اصفهان به رشت، از طریق اسلامبول
۱۰۴۶		سواد دستخط
۱۰۴۸		ایضاً لایحه و دستخط
۱۰۵۴		صورت امضاء حجج الاسلام
۱۰۵۸		حالت کنونی ایران
۱۰۶۰		اخبار ولایات.....
۱۰۶۲		وقایع ماه ربیع الثانی ۱۳۲۷.....
۱۰۶۳		سواد دستخط
۱۰۷۰		شب نامه اخبارات از غره ربیع الثانی الی (۳) ۱۳۲۷
۱۰۷۱		صورت کلیه قشون دولت در بلده قزوین
۱۰۷۶		اخبار از رشت در ۲۶ ربیع الاول.....
۱۰۷۹		سواد تلگراف سپهدار
۱۰۷۹		خلاصه راپورت حاکم قزوین
۱۰۸۰		تلگراف از تبریز
۱۰۸۰		۲۹ آوریل، ترجمه از فرانسه، خلاصه مراسله سفارت روس در جواب پرتست وزارت خارجه
۱۰۸۱		نقل از روزنامه کشکول نمرة ۲.....
۱۰۸۱		ایضاً نقل از کشکول نمرة ۴.....
۱۰۸۲		سواد دستخط اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایونی ارواحنا فداه.....
۱۰۸۶		سواد دستخط جهان مطاع اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه

- خلاصه مضمون ابلاغ رسمی از طرف سفیرین به اصفهان. ۱۰۸۹
- از کرمان به طهران. ۱۰۹۰
- تلگراف از تبریز به اصفهان. ۱۰۹۰
- [تلگراف دیگر]. ۱۰۹۱
- نقل از کشکول. ۱۰۹۴
- تلگراف تبریز. ۱۰۹۵
- رقعه محترمه انجمن مقدس ولایتی. ۱۰۹۶
- وقایع ماه جمادی الاولی ۱۳۲۷. ۱۰۹۶
- تلگراف از طهران به کرمان. ۱۰۹۷
- سواد تلگراف از طهران به کرمان. ۱۰۹۸
- سواد تلگراف. ۱۱۰۳
- سواد تلگراف تجار آذربایجان از کرمان به تبریز. ۱۱۰۷
- جواب از تبریز به کرمان. ۱۱۰۸
- مجلس منافقین. ۱۱۰۹
- تلگراف احرار قزوین. ۱۱۱۰
- [شب نامه]. ۱۱۱۳
- تلگراف از رشت به طهران. ۱۱۱۷
- ایضاً نقل از جراید خارجه. ۱۱۱۹
- دستخط مجتهد کرمانی. ۱۱۲۱
- سواد دستخط اعلیحضرت که به ولایات مخابره شد. ۱۱۲۲
- معاهده شاه ایران با دولتین روس و انگلیس. ۱۱۲۲
- شب نامه. ۱۱۲۳
- وقایع ماه جمادی الثانی ۱۳۲۷. ۱۱۲۵
- شب نامه. ۱۱۲۶
- تلگراف از رشت به طهران. ۱۱۲۷
- از قزوین به رشت. ۱۱۲۸
- تلگراف از رشت به قزوین. ۱۱۲۹
- دستخط آخوند ملا کاظم. ۱۱۳۲
- قابل توجه ملت. ۱۱۳۶
- راپورت قزوین. ۱۱۳۹
- ترجمه از روزنامه تیمس. ۱۱۴۲
- شب نامه. ۱۱۴۳
- شب نامه. ۱۱۴۵
- تلگراف از رشت به طهران. ۱۱۴۹
- [چند سطر از یک نامه]. ۱۱۵۱
- [مکتوب جوابیه حاج جلال الممالک]. ۱۱۵۲
- [مقاله روزنامه استقلال]. ۱۱۵۶
- شب نامه. ۱۱۶۰
- سواد تلگراف نجف اشرف. ۱۱۶۴
- آخرین اتمام حجت ملت ایران به اهل نظام به نام نامی وطن مقدس ما ایران. ۱۱۶۵

- ۱۱۶۷ سواد مراسله سفارت روس در جواب مراسله رسمی وزارت امور خارجه
- ۱۱۷۸ صورت اسامی کمیسیون که احکام از آنجا به مجلس عالی می آمد
- ۱۱۷۸ اولین لایحه که در سلطنت اعلیحضرت احمد میرزا قرائت شد در مجلس عالی
- ۱۱۷۸ صورت حکم مجلس عالی در خصوص وزارت جنگ
- ۱۱۷۹ ایضاً صورت حکم در خصوص وزارت داخله
- ۱۱۷۹ نطق حضرت اشرف عضدالملک نایب السلطنه در مجلس عالی
- ۱۱۷۹ صورت تلگرافی که از طرف مجلس عالی به حجج اسلامیه شده است
- ۱۱۸۱ ترجمه تلگراف جوابیه سفارت روس و انگلیس
- ۱۱۸۱ صورت لایحه ملت
- ۱۱۸۳ خلاصه اقدامات این چند روزه
- ۱۱۸۴ سبب یأس محمدعلی میرزا و استعفای او از سلطنت ایران
- ۱۱۸۸ تلگراف به خراسان
- ۱۱۸۹ جواب
- ۱۱۸۹ اعلان
- ۱۱۹۰ اعلان از اداره نظمی
- ۱۱۹۱ اعلان
- ۱۱۹۱ اعلان از اداره نظمی
- ۱۱۹۲ تلگراف از پترزبورگ
- ۱۱۹۳ وقایع ماه رجب ۱۳۲۷
- ۱۱۹۳ سواد دستخط اعلیحضرت همایونی سلطان احمدشاه قاجار
- ۱۱۹۳ سواد مراسله متحدالمال وزارت خارجه ایران به سفارتخانه ها
- ۱۱۹۴ تلگراف از تبریز به طهران
- ۱۱۹۴ جواب
- ۱۱۹۴ تلگرافی که به سفارتخانه های ایران مقیمین خارجه و جزایر قسطنطنیه هندوستان و مصر و ...
- ۱۱۹۴ از طرف وزارت جنگ به سفارت روس
- ۱۱۹۵ اعلان
- ۱۱۹۵ سواد ترجمه مراسله سفارت اتازونی به مشارالسلطنه
- ۱۱۹۵ خبر تلگرافی خارجه
- ۱۱۹۶ یادداشت وزیرمختار انگلیس به علاء السلطنه
- ۱۲۰۰ اعلان دولتی
- ۱۲۰۰ دستخط از طرف وزارت داخله
- ۱۲۰۱ اعلان از اداره نظمی
- ۱۲۰۱ اعلان از طرف کمیون جنگ
- ۱۲۰۱ اعلان از طرف اداره جلیله نظمی و امینه
- ۱۲۰۱ صورت تلگراف مأمور ایران مقیم بادکوبه در تبریک
- ۱۲۰۲ جواب مراسله سفارت فرانسه در جواب متحدالمال وزارت امور خارجه ایران
- ۱۲۰۲ سفارت انگلیس
- ۱۲۰۲ سفارت روس - ۳ رجب ۱۳۲۷
- ۱۲۰۳ مراسله سفارت آلمان
- ۱۲۰۳ تلگراف سفارت ایران در لندن به وزارت خارجه

- ۱۲۰۵ تلگراف از شیراز به طهران
- ۱۲۰۶ اعلان از طرف حکومت جلیله دارالخلافه طهران
- ۱۲۰۷ اعلان انتخابات
- ۱۲۰۷ محل انجمن نظارت به جهت دادن ورقه تعرفه
- ۱۲۰۷ بعضی از مواد نظامنامه انتخابات که دانستن آنها برای عموم لازم است
- ۱۲۰۹ تلگراف شیراز
- ۱۲۱۰ راپورت از قزوین
- ۱۲۱۰ سواد اعلان اداره نظمیه
- ۱۲۱۰ واقعه زنجان
- ۱۲۱۲ تکالیف انجمن های نظارت و کدخدای محلات
- ۱۲۱۳ صورت اعضاء انجمن های نظارت محلات شهر
- ۱۲۱۷ خلاصه استنطاق صنیع حضرت و مفاخرالملک
- ۱۲۱۸ توضیح واضحات
- ۱۲۱۹ ان بطرزبورغ - ۱۸ زویه
- ۱۲۱۹ مراسله سفارت روس
- ۱۲۲۰ صورت لایحه سفارت المان
- ۱۲۲۰ تعرفه انتخاب
- ۱۲۲۱ اخطارات لازمه قانونی
- ۱۲۲۱ سواد تلگراف آیات الله فی الانام
- ۱۲۲۱ تلگراف
- ۱۲۲۲ از کربلا به طهران
- ۱۲۲۲ از طهران به کربلا
- ۱۲۲۳ ورقه الزامیه که شیخ ابراهیم زنجانی در حضور شیخ فضل الله قرائت نموده
- ۱۲۲۵ اضافات و ملحقات
- ۱۲۳۲ صورت تلگرافات حضوری فیما بین اعضاء انجمن ایالتی تبریز و باغ شاه
- ۱۲۳۳ تلگراف دیگر
- ۱۲۳۳ تلگراف از تبریز
- ۱۲۳۳ جواب تلگراف تبریز از باغ شاه
- ۱۲۳۴ جواب تلگراف از تبریز
- ۱۲۳۴ تلگرافات دیگر
- ۱۲۳۵ تلگراف دیگر به تبریز
- ۱۲۳۶ از بیرجند به طهران
- ۱۲۳۶ بیزاری مردم از محمدعلی شاه
- ۱۲۳۷ تلگراف کرمان
- ۱۲۳۷ تلگراف استرآباد
- ۱۲۳۷ ایضاً از استرآباد
- ۱۲۳۸ فتوای علمای اصفهان
- ۱۲۳۸ از اصفهان به طهران
- ۱۲۳۹ تلگراف طباطبائی از مشهد
- ۱۲۴۰ تلگراف از اصفهان

۱۲۴۰	از اصفهان به طهران
۱۲۴۰	تلگراف انجمن ولایتی اصفهان
۱۲۴۱	تلگراف دیگری در همین موضوع و از همان دیار
۱۲۴۱	از انجمن گیلان
۱۲۴۲	دو تلگراف در تأیید سپهدار
۱۲۴۲	از تبریز
۱۲۴۳	تلگراف صدراعظم
۱۲۴۳	از باغ شاه به مشهد
۱۲۴۳	تلگراف مشیرالسلطنه
۱۲۴۴	از باغ شاه به مشهد
۱۲۴۴	تلگراف محمره
۱۲۴۴	از محمره به طهران
۱۲۴۵	تلگرافی از همدان
۱۲۴۵	از همدان به طهران
۱۲۴۶	جواب شیخ نوری
۱۲۴۶	نقل از روزنامه خراسان
۱۲۴۷	تلگراف از مشهد به طهران
۱۲۴۷	تلگراف مشهد در مخالفت با استقراض
۱۲۴۸	از مشهد به طهران
۱۲۴۹	همدردی با متحصنین
۱۲۴۹	از رشت به طهران
۱۲۴۹	تلگراف رشت
۱۲۵۰	از رشت به طهران
۱۲۵۰	از شیراز
۱۲۵۰	از شیراز به اصفهان
۱۲۵۲	تلگراف خزرعل
۱۲۵۲	از محمره به اصفهان
۱۲۵۲	از همدان
۱۲۵۲	از همدان به طهران
۱۲۵۳	در سفارت عثمانی
۱۲۵۴	لایحه‌ای که خطاب به شارژدافر قرائت شد
۱۲۵۴	لایحه جوابیه سفارت کبرای عثمانی به هیأت متحصنین
۱۲۵۵	تلگراف تبریک متحصنان به استانبول
۱۲۵۵	اعلامیه انجمن احیا
۱۲۵۶	جمعه نهم ربیع الثانی ۱۳۲۷
۱۲۵۷	عفو عمومی
۱۲۵۷	از طهران
۱۲۵۷	تلگراف سعدالدوله
۱۲۵۸	مخابرات حضوری
۱۲۵۸	از طهران به اصفهان

۱۲۵۹	از اصفهان به طهران
۱۲۵۹	از اصفهان به طهران
۱۲۶۰	از طهران به اصفهان
۱۲۶۰	از اصفهان به طهران
۱۲۶۱	اعتراض مردم به روس‌ها
۱۲۶۱	تلگراف کرمانشاه
۱۲۶۲	از نجف به اسلامبول
۱۲۶۲	از کربلا به اسلامبول
۱۲۶۳	تلگراف نجف
۱۲۶۳	تلگراف پطرسبورغ
۱۲۶۴	تلگراف نجف
۱۲۶۴	تلگراف مشهد
۱۲۶۴	تلگراف انجمن سعادت

تاریخ
بیداری ایرانیان
به قلم
ناظم الاسلام کرمانی
جلد چهارم

ولتین روس و انگلیس بیست کرور تومان بالاشتراک به دولت علیه ایران از قرار صد هفت قرض می‌دهند و به شرط ذیل:

اول آن‌که دولت علیه مصارف خرج این وجه را باید با اطلاع دولتین روس و انگلیس بنماید.

دویم - دولت روس از این وجه حق مطالبه اقساط استقراضی قبل را ندارد و نباید از این وجه

بردارد.

سوم - قرارنامه این بیست کرور تومان قرض که دولتین روس و انگلیس به دولت علیه ایران

می‌دهند، مطابق و موافق با قرارنامه استقراضی دولت علیه ایران از دولت روس است که در سنه

یک هزار و نهصد و دو نموده است.

چهارم - چهار کرور این وجه را از امروز تا شب عید نوروز، دولت علیه ایران از دولت روس و

انگلیس مساعده یعنی پیشکی خواهد گرفت؛ و مدت اداء این چهار کرور یک سال است، و چهار

ماه هم مهلت دارد.

پنجم - گرو و ضامن این چهار کرور تومان نزد دولت روس، گمرکات شمالی و نزد دولت

انگلیس پستخانه و تلگرافخانه، که سابق داده شده است می‌باشد.

ششم - بقیه وجه این قرارنامه استقراضی وقتی داده خواهد شد که دولت ایران چند ماه قبل از

لرزم، اطلاع به دولتین روس و انگلیس بدهد.

بعد از قرائت این قرارنامه، صورت قروض و مخارجی که فعلاً و الساعة لازم است قرائت شد و

تقریباً از قرار ذیل است:

مخارج دربار که عقب افتاده و الساعة باید مساعده به آن‌ها داده شود، فلان مقدار، موجب

سفراء ایران که در خارجه مقیم می‌باشند، فلان مقدار، موجب قشون، فلان قدر، موجب اربابان

حقوق و غیره... مخارج متفرقه... مخارج غیر مترقبه... جمع این‌ها چهار کرور گردید که الساعة دو

کرور آن اگر به دولت نرسد تمام ادارات دولتی می‌خواهد و دو کرور دیگر آن شب عید برای اداء

قروض معروضه باید به دولت برسد، ضمیمه صورت ریز قروض از بانک‌های خارجه روس و

انگلیس یعنی از بانک استقراضی و از بانک شاهنشاهی.

بعد از خواندن آن، گفتگو و قال و مقال در مجلس در گرفت، جماعتی که با فرنگان عموماً و با

روس و انگلیس خصوصاً مایل، و شرف خود را فقط به دادن رأی می‌دانند، اعم از این که رأی

ایشان مقید به حال دولت و ملت و مملکت باشد یا نباشد، رأی دادند که: این قرض فعلاً چون لازم

و کار دولت پیریشان است ضرری ندارد، به ملاحظه این که موعد اداء آن یک سال است عیبی

ندارد، و از دولت است و دیگر زور به ما نخواهند گفت.

جماعتی که فقط نظرشان بر این است که قرض کلیه بد است، رأی دادند که نباید قرض بشود.

جمعی رأی دادند که باید دولت ریز قروض و مخارج را به مجلس شورای ملی بفرستد. بلکه خود بتوانیم دزدی‌هایی را که در آن قروض شده پیدا نماییم و نیز مخارج گزافی را که به دولت جمع بسته‌اند بدانیم و از مأخذ قرض مساعده و قرض کلی کم شود و مخارج این پول هم با اطلاع مجلس شورا باید بشود.

هر کس از هر طرف صدایی بلند می‌کرد و رأیی می‌داد. جماعتی که از وخامت این استقراض و خرابی ملک و ملت، به سبب این قرض، مطلع و بصیر در مواد خانه برانداز دولت و ملت بودند و نیز می‌دانستند که می‌خواهند علاوه بر این که چنگال خود را پیش از پیش بر جسد مقدس دولت و ملت ایران فرو برند، امضاء دو قروض سابق را که خانه دولت و ملت را خراب کرده است، از ملت بگیرند، که بدون معاوضه هر چه منظورشان است به روزگار ملک و ملت ما بیاورند، ساکت بودند. آن جماعت که ساکت بودند تجار و جمعی دیگر از طبقات مختلف بودند.

نطق معین التجار بوشهری

به هر جهت از طبقه تجار رأی خواستند، معین التجار بوشهری نطقی بلیغ نمود و صورت قرارنامه را به دست گرفته، یک یک از مواد آن را قرائت و مضار آن را بیان نمود. و بعد رأی داد بر این که:

عقیده من این است که زمینه خالی دولت که بیست کرور است صحت ندارد. ایداً دولت مقروض نیست. زیرا که شاهزاده اتابک بارها فخریه می‌نمود که: «من جمع خرج دولت را موازنه نمودم. ششصد هزار تومان هم فعلاً اضافه دارم که در نزد (تومان‌بیس) گذاشته‌ایم، برای بعض مخارج فوق العاده غیر مترقبه دولت». ما تا این درجه اتابک را دروغگو و یاوه‌سرا نمی‌دانیم. باید دولت صورت جمع سه ساله و مخارج آن را به مجلس بفرستد تا از روی دقت رسیدگی نمایم. اگر واقعیت دارد که دولت مقروض مانده است البته بر ذمه ملت است که کار دولت را راه بیندازد. ولی نه آن که از روس و انگلیس قرض شود. آن هم با این شروط سخت، آن هم برای چهار کرور مملکت را تسلیم نمایم. به علاوه شاید ما در رسیدگی جمع و خرج، محلی پیدا نمایم که فعلاً این چهار کرور از آن جمع و خرج پیدا شود. و اگر در شکم‌ها مانده باشد، آن وقت بیرون می‌آوریم. نه محتاج استقراض از خارجه و نه محتاج به قرض داخله شویم. فعلاً این بنده کورکورانه نمی‌توانم رأی بدهم. که قرض به هر جهت بنمایند یا ننمایند. باید دولت، اولاً بودجه جمع و خرج سه ساله خود را قلم به قلم به مجلس بدهد و بعد صورت قرارنامه و معاهده قرض سه یک هزار و نهصد، و یک هزار [و نهصد] و دو را به مجلس ارائه نماید. تا مواد آن را ملاحظه و دقت نمایم و مسوق باشیم.

این اطلاع ما از مواد آن نه برای این چهار کرور است بلکه برای این است که دولت صد کرور اقلاً پول برای اصلاحات مملکتی لازم دارد و مسلماً محتاج به قرض خارجه خواهیم شد. پس باید

۶۷۲ قبل از آن وکلاء از مواد معاهده مسبوق باشند، تا بتوانند تدارک قروض کلی برای اصلاح مملکتی چه از داخله و چه از خارجه بنمایند.

فایده دیگر اطلاع ملت از مواد آن معاهده این است که اگر منافعی با استقلال دولت است، اقدامی بنمایند تدارک وجهی در داخله به هر قسمی که پیشرفت کند بشود و دو قرض روس را داده و خود را از این ننگ و عار و نار برهانیم، آن وقت به اندازه درآمد خودمان مخارجی به طور صحیح معین نماییم و نیز مبلغی از دخل مملکت را برای تعمیرات [و] اصلاحات لازمه معین نموده که سال به سال به امضاء ملت به مصرف برسد و خود را بی نیاز [سازیم] از قرض کردن از سایر همسایگان، که محل مخاطره آنان می باشیم. فرضاً اگر محتاج به قرض برای تعمیرات معادن و راه آهن یا غیره بشویم قرض را ملتی قرار دهیم، یعنی: تشکیل بانکی به اسم ملت نموده و اسناد آن را در خارجه منتشر نماییم تا موعد معین. به هر جهت رأی من این است که باید دولت در قرض از داخله و خارجه خیلی دقت نماید. به این عجله امروز بنده رأی نمی دهم قرض بشود.

بعد از این بیان و نطق و رأی همه و ولوله عجیبی در مجلس افتاده جماعت تجار که عموماً قبل از این نطق حاج معین التجار بوشهری با رأی ایشان شرکت داشتند، یک زبان و رأی، تصدیق آراء حاجی معین التجار را نموده شریک رأی ایشان شدند، و عیناً رأی دادند که نباید این قرض بشود. سایر وکلاء نیز از رأی اولیه خودشان منحرف و شریک آراء تجار شدند. جماعت اولیه که طالب نفوذ و پلتیک اجانب در داخله می باشند چنان برآشفند که بر مجلسیان عموماً اغراضشان معلوم گردید، چون قوت نداشتند ساکت ماندند؛ و مقرر گردید که صورت مجلس و آراء وکلاء و استدعای فرستادن صورت جمع و خرج قرارنامه استقراض سابق را جناب مخبرالسلطنه به هیئت دولت ابلاغ نمایند.

روز دوشنبه ۲۳ شوال المکرم سنه ۱۳۲۴ - امروز مجلس عمومی تعطیل است بعضی از وکلاء در منزل جناب صنیع الدوله خلوت نموده و بر ضد سعدالدوله بعضی مذاکرات می نمایند که این شخص را از نظر ملت بیندازند.

امروز دو صورت اعتلای که به ژلاتین طبع شده است و یکی را دو روز قبل و دیگری را امروز منتشر نموده اند، به دست آورده و ذیلاً درج می نمایم:

اعلان ژلاتین موسوم به شبنامه

اقتلوا المشرکین حیث وجدتم

چشم باز و گوش باز و این عمی (۱)

حسین میرتم از بسی تمیزی شما

ای علماء اعلام؛ ما وطنخواهان نزدیک است از حوصله طبیعی خارج شویم. این چه بساط حقّه بازی است که وزراء خائن هر روزه برای ما ملت بیچاره فراهم می‌آورند، و شب و روز درصدد برگردانیدن نیت مقدس ملوکانه هستند، و رأی شاه را از تقویت و همراهی از مجلس منصرف می‌کنند؟ آخر چه قدر باید تحمل نمود چه اندازه باید صبر کرد؟ و هر روز باید شنید فلان وزیر خائن اسباب چینی برای بردن منصب و گرفتن سند، نیرنگی می‌چیند. ملت محض خدمت به دولت می‌بیند سرباز نداریم، از روی غیرت و دولت پرستی و اسلامیت با جان و مال خود حاضر می‌شود که در میدان مشق تعلیم نظام گیرد. فلان وزیر ظالم بهانه به دست آورده، به شاه می‌گوید: «دیگر شما ول معطلید، مجلس که در دست شد، سرباز هم درست کردند، وجود شاه دیگر لازم نیست». همچو از نظر جلوه می‌دهند که ملت می‌خواهد یاغی شود و قلب شاه را از ملت غیور برمی‌گردانند و دل آن‌ها [را] از مجلس و مجلسیان سرد می‌کنند. وزیر دیگر شب و روز با مخالفین، در اطاق‌های مخصوص خلوت می‌نماید، و بدون اطلاع پیشخدمت‌ها کنکاش و مشورت می‌کند، اتصالاً دستورالعمل به مخالفین می‌دهد و شاه را ترغیب و تحریص به تخریب مجلس می‌نمایند. والله ما می‌دانیم چنانچه خودتان هم می‌دانید که مانع و مخالف مجلس هیچ کس جز این وزراء دزد نیست. استدعای ما ملت، خدمت آقایان و روحانی این است که این وزراء خائن را بخواهید و آن‌ها را نصیحت کنید که این همه پایبچ این ملت نجیب نشوند، و تکلیف شرعی ما را زیاد و مشکل ننمایند. مبادا روزی آید که پشیمانی سودی ندهد. خدا می‌داند که ما امروز برای رفع ذلت اسلام عاجی جز مجلس شوری و اجراء قوانین مشروطیت نمی‌دانیم و مخرب مجلس را دشمن دین و خصم خدا می‌دانیم و به قانون مذهبی دفع شر او را به حکم: «اقتلوا المودی قبل ان یودی» از جمله فرایض واجبه اسلامی خویش می‌شماریم و او را جز به آلت قتاله استقبال نخواهیم بود. ای پادشاه اسلام؛ این دفعه محض اتمام حجت می‌گوییم که گوش به سخنان عدوانه این وزراء ظلم مده زیرا این دزدان پی بازار آشفته می‌گردند شاه را از رعیت بری و رعیت را بر شاه می‌شوراند، این‌ها همان وزراء بدبخت می‌باشند که در عرض این ده دوازده ساله دولت ایران [را] هتاد کرور مقروض خارجه نمودند. این‌ها همان وزراء هستند که ملک ایران را خراب و رعیت را ذلیل، راه زندگانی را بر ملت مسدود و ملت فلک‌زده را به این روز تیره دچار ساخته‌اند. این‌ها همان وزراء هستند که تمام سرحدات و معادن را به خارجه فروخته‌اند و دولت را گدای خانه‌نشین کرده‌اند. شاه!

به اول همه کاری تأمل اولی‌تر بکن وگرنه پشیمان شوی در آخر کار

شبنامه

دیگری است که به طبع ژلاتین منتشر شده است

خطاب وکلا به عموم ملت: ای ملت غیور ایرانی! از روزی که ما را به وکالت قبول کردید، و این

۶۷۴ بار سنگین امانت را به دوش ما گذاشتید؛ تاکنون در پیشرفت مقاصد و امور راجعه به ترقی و سعادت ابدی آنی راحت ننشسته‌ایم. شب خواب و روز را آرام نگرفته‌ایم. هرچه کوشش کردیم که شما را از این ذلت و خواری و از اسارت ظلم مستبدین و از قید بندگی و جور و ستم بی‌رحمان نجات دهیم؛ و به سر منزل آسایش و امنیت و راحت رسانیم؛ و حقوق ضایع شده شما را استرداد کنیم؛ و این ملت و مملکت را از دریای هلاکت و فلاکت نجات بخشیم؛ و رشته اتحاد را محکم سازیم و این اختلاف و نفاق را که موجب فنا و زوال ملت و مملکت است از میان برداریم؛ آن قدری که قوه و استعداد داشتیم در این راه گذاشتیم و در این خصوص چیزی فروگذار نکردیم عاقبت نتیجه و ثمره آن بخشیده که دیدید و شنیدید که: «و لا یزید الظالمین الا خساراً و نفوراً». حال از شما ملت با غیرت انصاف می‌خواهیم که آیا ما چند نفر و کلاً بدون اعانت و حمایت شماها می‌توانیم کاری از پیش ببریم یا نه؟ و آیا می‌توانیم با این وزراء خائن جاهل ایران خراب کن ملت فروش بدون اعانت شماها جنگ کنیم؟ آیا با کدام قوه می‌توانیم کدام وزیر خائن را حاضر نموده؛ مجازات دهیم؟ یا فلان حاکم رعیت فروش را به جزایش برسانیم؟ و این را تمام دنیا می‌دانند که؛ قوه و قدرت ما و کلاً شماها هستید؛ تا شما ملت از ما تقویت نکنید و همراهی ننمایید؛ کاری از پیش نمی‌رود و رفع ظلمی نمی‌شود. البته چنانچه در بدو امر جانفشانی‌ها کردید و زحمات کشیدید تا حقوق خود یعنی مجلس را برای خود تشکیل دادید و اثبات حق خود را نمودید؛ این را باید بدانید که وجود مجلس فقط ثابت نمود که حقوق داشتید و باید آن حق را استرداد نمایید؛ ولی می‌دانید وظیفه مجلس جز رأی دادن چیزی نیست. استرداد حقوق و اجراء آراء صائبه و اوامر مطاعه مجلس موکول به همت عالی شما ملت است. در سه شنبه گذشته چنانچه شنیدید ماها جداً در احضار و مسئولیت وزراء ایستادگی داشتیم؛ آقایان حجج اسلامیه دامت برکاتهم هم توسط فرمودند که: «تا هفته دیگر این مطلب را به عهده ما گذارید. اگر تا شنبه چهاردهم وزراء حاضر نشدند آن وقت اقداماتی که در نظر دارید بکنید». روز موعود رسید و جواب طفره آمیز آمد. آقایان حجج اسلام فرمودند که: «اتمام حجت کردیم. حال شما خود دانید ما بر حسب ملت پرستی خودمان و دولت خواهی که داریم؛ بیش از این مسامحه جایز ندانستیم و جداً مسئولیت وزراء را از صدراعظم خواستیم و تا روز یکشنبه ۲۲ مهلت دادیم. ان شاء الله اگر به وفق مقصود جواب آمد فهو المطلوب و الا منتظر اطلاع ثانوی باشید؛ در روز یکشنبه».

لوحه سر در مجلس

امروز لوحه سر در مجلس را که به عنوان (دارالشورای ملی ایران) و «عدل مظفر» رقم شده است با جمعیت و شکوه فوق العاده به میمنت و مبارکی نصب نمودند و لایحه مفصلی هم در هنگام نصب آن قرائت کردند. حاضرین را فرح و سروری اندازه دست داده و همه به آواز بلند به سلام و

صلوات و دعای به ذات همایون شاهنشاه رطب اللسان بودند. جناب مخبر السلطنه مقاله ذیل را قرائت نمود و صورت آن از این قرار است:

نطق مخبر السلطنه در مجلس شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحيم. سیاس بی قیاس مالک الملکی را سزااست که در عقد مصالح جمهور و حل معضلات امور صدرنشین مسند رسالت را به استشارات مأمور کرد و اقامه صلوة و ابتداء زکوة را با ایمای به مشورت مترادف ساخت صاحبان عقول آسمانی را نکته «لن یهلك امرء بعد المشورة» نیکو بشارتی است و مصاحبان نفوس روحانی را دقیقه «لا سعد من استبد برأیه» کافی اشارتی. بر اصحاب فطنت و ذكاء روشن و هویداست که «من ظاهر بالمشاورة و صل الى الصلواب» و بر ارباب کیاست و دها مبرهن و ییذاست، که «من استبد برأیه هلك و خاب». بشارت باد ایران و ایرانیان را، که به توفیقات الهی و توجهات ظل الهی عدل مظفر عالم گیر شد و کوس مساوات بر بام آزادی فرو کوفتند.

از حد سرخس تا به اهواز
و از خاک بلوچ تا به گرگر
گرگ از گله خود طمع بیرید
فریه نکنند ستم به لاغر

دولت کهن را نوبت جوانی رسید و ملت ممتحن [را] وقت شادمانی، رشته امور که از تار عنکبوت سست تر می نمود قوت حیل متین گرفت و بنیان سیاست که به حوادث ایام تزلزل یافته بود بر اساس شرع مبین نهاده شد. شاهد مقصود اعنی «شورای ملی» روی زیبا از پرده خفا بدر آورده «بشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولو الالباب».

مطالبه نظامنامه

پس از فراغت از این کار جماعت کثیری از حاضرین در صحن عمارت مجلس جمع شده، و کلاء را به مبالغه در مطالبه نظامنامه و عدم خروج از مجلس قبل از مراجعت مأمورین مجلس از نزد صدارت عظمی و آوردن نظامنامه، تکلیف و اصرار می کردند پس از یک ساعت از شب گذشته مأمورین و رسولان مجلس مراجعت نموده و جواب را به این طور ابلاغ داشتند که «به ملاحظه کسالت مزاج مبارک همایونی، قرائت و صحنه نظامنامه چندی متعسر است و ابدأ در صحنه نظامنامه نشده است. پس بهتر آن است که مجلس به کارها و انجام تکالیف خود به موجب فرمان همایونی مشغول بوده و منتظر نظامنامه نباشند و در مطالبه و صحنه آن قدری تأنی و امهال کنند. ان شاء الله پس از تخفیف و رفع قاهت مزاج ملوکانه به صحنه رسیده و ارسال می شود».

کاغذی جناب حاج آقا نور الله ثقة الاسلام مجتهد اصفهانی به عنوان حاج میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی نوشته است. سواد آن را فرستاده اند که در جراید درج کنند چون خالی از اهمیت نیست در این تاریخ خود درج می نمایم که برای عوام در امروز مفید است.

کاغذ آقای اصفهانی به آقای شیرازی

به عرض می‌رساند مدتی بود گزارش حالات شرافت دلالات حضرتعالی را به توسط مرقومات اطلاعی نداشتم ولی از هر عابر و وافد صبا و شمال مستفسر و مستعلم احوال موهبت اشتغال می‌شدم.

الا تسمکت باذیالها

ما خطر من نحوکم نسمه

تا این ایام که محترم رقیمة کریمه به توسط جناب مستطاب آقای حاجی شیخ علی بابا سلمه الله، زیارت شد. ایشان را خواستم و خصوصیات حالات را پرسیدم خیلی از مراحم کامله امتناناتی داشتند. اما غریب آن است این وقایع حادثه را، می‌گفتند ابدأ آن جا آثاری ظاهر نشده و با وجود مثل حضرتعالی بزرگواری، اهالی فارس که اول مصدر غیرت و فتوت شدند و بر عامه اسلامیان معنی مردانگی و ثبات را خاطر نشان کردند، و به واسطه تظلمات و پاداری آن‌ها مردم دارالخلافه به شور شوری افتادند و این نور شریعت و تمدن و ملت پرستی و دین داری و معدلت و مساوات و اتفاق دولت و ملت و اتحاد کلمه آفاق را روشن کرد و بر اقطار ایران که ظلمات جهل بصائر و ابصار را پوشانده بود هیرهن و آشکار و انموده که غیر از ظلم و نفاق چیز دیگری هست که نامش عدل و اتفاق باشد. و بعد از آن که دیگر اثری از اسلام و اسلامیان و دین و عجم و ایران نمانده و روح خلائق که ثروت و صنعت و امنیت باشد هم از میان رفته و خلق گدا و فانی صرف شده و دول خارجه این اکلۃ ساعة و لقمه لمحۃ را نزدیک بود فرو برند، و اسمی از دین و ملت محمدی ﷺ باقی نگذارند. بحمدالله «دست غیب آمد و بر سینۃ نامحرم زد» نظر عنایت الهی و شفاعت حضرت حجة اللهی واسطه و وسیله اعلاء لواء شریعت گردید. مردم عراقی و آذربایجانی به یک زبان مجلس شورای ملی خواستند و قلب مبارک اعلیحضرت اقدس شهرباری خلدالله تعالی ملکه مرآت تجلی حقایق گردیده ملهم شدند برای تسجیل و اثبات این امر و به اختیار خود سعی و جهد فرمودند و نام بزرگشان را در قرون و اعصار و ممالک و امصار به اعلی مدارج بزرگواری باقی گذاردند ملاحظه بفرمایید، محاسن مجلس شورای ملی و مشروطیت را به هزار کتاب نمی‌توان گنجانید. از بدو اسلام که معدودی اعراب بیش ایمان نیاورده بودند، به همین ترتیب شوری و مشروطیت که اساس دین ما بر آن است، در ظرف ده بیست سال قصو قیاصره و کنوز اکاسره را دارا شدند و نور اسلام در تمام روی زمین ساطع گردید. و اگر معاویه آن تیغ خلاف را در بین مسلمین نیانداخته بود، تا ده سال دیگر متفلسی نمی‌ماند جز آن که اسلام اختیار می‌نمود.

باری فعلاً مختصری از منافع آن را عرصه می‌دارم تا بعد به تفصیل جسارت شود.

اول - سابقاً در مقابل دول خارجه که دندان طمع تیز نموده بودند اعلیحضرت ظل اللهی چند فوج معدودی بی استعدادی بیش نداشتند اما امروز بحمدالله سی کرویر لشکر مستعد متفق مجاهد در مقابل می‌توانند بنمایانند. یعنی مجموع ملت محامی و مدافع خواهند بود.

ثانیاً - قبل از این، اوقات دولت در معارضه ملت و ملت در مقاومت با دولت می‌گذشت و هر دو به تصارع یک دیگر را ضعیف نموده و دشمنان خارجی هر دو را مقهور و مأکول می‌نمودند. امروز هر دو پشت یکدیگر شده. دزد بیرونی را از خانه می‌دوانند. ملاحظه فرمایید اگر دزدی به خانه‌ای فرود آید که همه خواب باشند کسی هم اگر بیدار شده از ضعف حرکت ننماید، جز آن است [که] همه متاع خانه را به غارت و آن‌ها را به قتل می‌رساند؟ ولی اگر همه از خواب بیدار و معاضد باشند دزد وارد نمی‌شود و اگر وارد شد فوراً بیرون می‌رود خجل و منفعل.

ثالثاً - مسلم است در اصلاح مقاصد و ترقیات ملت و دولت، هزار رأی مستقیم که منتخب و منتقد از ده کروار آراء مخلوق باشد بهتر است از یک رأی مبتلا و اسیر در دست اهواء فاسده و اغراض باطله و دوست‌گذاری و دشمن‌نوازی که تمام اوقات خود را اگر به حفظ خود بپردازد مکفی نیست، چه رسد که ملت و مملکت را نگاهدارد.

رابعاً - وقتی اختیار امور و احکام و آراء در دست یک نفر باشد به اختیار مطلق، از آن‌چه موجب مخاطرات و مهالک ممالک اسلامی باشد باکی ندارد. زیرا رقیبی در مقابل نمی‌بیند و خود را فعال ما یشاء می‌داند. مثل سابقین برای جلب نفع شخصی دین و ایمان و ناموس و دولت و ثروت خلائق به باد می‌دهد به رشوه‌ای که از داخله و خارجه می‌گیرد مخلوق را فانی صرف می‌نماید. اما وقتی مجلس و کلا و جماعت باشد چون فرد فرد مجلس مراقب یکدیگر هستند ممکن نیست دیگر به رشوه و ملاحظه و اغماض فاسده کسی خیانتی در دین و دولت کند. فلان وزیر، دریای خزر را نگوید «یک قاشق آب گندیده چه قابل است بخشیدیم!»، دیگری مرو و سرخس را به قمار شب و خمار صبح به باد ندهد. و هكذا فعل و تفعل.

خامساً - هر روز این جمعیت آراء برای اصلاح فاسدی مسلم است، بدعتی را رفع می‌نمایند و سنتی را وضع می‌کنند و تجارت و زراعت و فلاح و صنعت ایران را رواج می‌دهند و سالی صد کروار مکنت این خلق گدا را که خارجه می‌برد به ترویج صنایع داخله، نخواهند گذارد بیرون برود. بلکه عوض، صد کروار هم هر ساله از خارج به داخل می‌آورند. علاوه کشف معادن و اصلاح طرق و ابداع کارخانجات خواهد شد. امور زندگی و مسافرت و تجارت خیلی آسان و این مردم که نصف آن‌ها به گدایی می‌گذرانند همه دارای شغل و کال و تمول می‌شوند و مثل سایر ممالک گدا اکسیر خواهد شد.

ششم - سابقاً اشخاصی که واسطه حل و عقد امور بودند، محض نفع شخصی خود دولت را از ملت منزجر و بری ساخته و ملت را از دولت ترسانده و به اصطلاح آب را گل می‌نمودند [تا] ماهی بگیرند، و فایده از این رهگذر می‌بردند که رعایا را کروارها خراب نمایند تا خانه خود را آباد کنند. ولی امروزه وکلای مجلس موظف به وظایف ملت هستند و می‌دانند اگر خیانتی به موکلین خود نمایند هم معزول و هم بد نام می‌شوند. حتی المقدور سعی در آبادی ملت و مملکت و رعیت خواهند نمود.

هفتم - قبل از این ارکان دولت خود را در ایران فی الواقع عاریه نشین و موقتی می‌دانستند و

۶۷۸ اطمینان به ثبات و دوام سکونت خویش نداشتند و تصور می نمودند عن قریب از ملکیت و ید آنها خارج می شود لهذا هرچه مقدورشان بود از سنگ و چوب بنیان خانه کنده و بریده و می بردند که این نتیجه عاجل است، و واقعاً خانه خود را به دست خود خراب می نمودند. امروز می فهمند این خانه ملک طلق ابدی خودشان است لابد سعی در آبادی و تعمیر آن خواهند فرمود.

نهم - غالب تنزلات این مدت ماها از ناامنی بود که فلان تاجر، یا زارع یا صاحب پول، یا صاحب علم، یا با هنر، آنچه را داشت از خوف رؤسای دولت و متغلیین مملکت مکثوم می داشت، و چه ثروت های بی کار و بی فایده اندک اندک از مایه خورده و تلف می شد. ولی امروزه که تأمین داده خواهد شد، هر کس آنچه مال و هنر دارد بکار انداخته، روز بروز در نما و تزاید می شود. این را محسوس نمایم. که فرضاً مثل سابق نخواهد بود که از شخص اول دولت تا ادنی طبقه خلایق، آنچه داشته باشند به بانک های خارجه بدهند و از ایران بیرون نمایند، و اصل و نفع آن را دیگران بخورند و در دست آنها جز کاغذی نباشد نقاشی به خطر فرنگی، که یک صندوق از آن کاغذها را به ما بدهند^(۱) و مملکت ما را تصاحب نمایند و چه تلفات و اتلافات در میان خواهد بود. بلکه امروزه که تأمین حاصل شد، اگر افراد رعیت نفری بیست تومان روی هم گذارند پانصد کرور پول، خدا می داند در ایران چه خرابی ها آباد، چه تجارت ها وسیع چه صنایع دایر، چه معادن کشف، چه ابواب خرجی مسدود و طرق نفع مفتوح خواهد شد، یا در هر بلدی شاید بیست هزار نفر هستند که اوقات عمرشان را صرف این می نمایند [که] برای حفظ خود یا بردن مال دیگر، سالی را مراقب باشند تا یک روز در کوچه فلان امیر را ببینند تعظیمی کنند، به این نحو تلف عمر عزیز می نمایند ولی وقتی تأمین شد و حکم مساوات و معدلت جاری، همه آسوده شده دنبال آن می روند برای شغلی و صنعتی پیش گیرند^(۲) و درستکاری جلوه دهند و ترقی بدهند خود و ابناء وطن خود را، مکتبی به راه حسابی زیاد نمایند و معرفتی کامل کنند.

دهم - دول بزرگ خارجه تمام همیشان را صرف می نمایند جهت جامعی برای اتحاد کلمه و اتفاق آراء رعایای خود تحصیل نمایند. بعد از کرورها تجربه و حکم و اصلاح، وطن را که امر اعتباری است جسته اند و چه اندازه حب وطن را در انظار عظیم نموده و جلوه می دهند، شهید وطن را به نام نیک ابدی می ستایند و علت آن است که اولاً آن ها چندان ثبات و قوامی در دین خود ندارند و اهمیتی به دین و مذهب نمی دهند مابین خودشان، ثانیاً در ممالک آن ها ادیان مختلفه و مذاهب متشبه از گبر و یهود و بت پرست و نصاری و غیره... بسیار است، هر گاه دین را مصدر نمایند به اختلاف مذاهب اختلاف در امورشان پیدا خواهد شد کلمه متفق جمع نمی شود، ولی

۱- متن: ندهد.

۲- شاید: که برای خود شغلی و صنعتی پیش گیرند.